راهکارهای نظارتی اصناف بر بازارهای محلی اصفهان در عصر صفوی: مقابله با تقلب ودستکاری اوزان و مقیاس ها و تأثیر آن بر ثبات اقتصادی (۹۰۷ –۱۱۳۵ ق)

محدثه عسکریان[۱]، شهربانو دلبری[۲]✉، و اردشیر اسدبگی[۳]

۱. گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد،دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران .رایانامه: Mohadese.askarian@iua.ac.ir

۲. گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد،دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. رایانامه: shahrbanoo@iua.ac.ir

۳. گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد،دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.. رایانامه: 370476@iua.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی پویایی‌های نهادی تنظیم اقتصادی در بازارهای اصفهان دوره صفوی(۹۰۷–۱۱۳۵ق) می‌پردازد و تمرکز آن بر نقش اصناف در مهار تقلب در اوزان و پیمانه‌ها به عنوان عاملی برای شکل‌گیری نظمی اقتصادی و خودپایدار است. نوآوری اصلی این مطالعه در بازتعریف تقلب نه به عنوان انحرافی صرف، بلکه به عنوان فرآیندی درون‌زا و تطبیقی در بستر نهادهای صنفی است که به تقویت خودتنظیمی و تاب‌آوری نهادی تبدیل می‌شود، و بدین ترتیب، اهمیت مدل‌های خودحکمرانی محلی را در پیوند با نظارت مرکزی برجسته می‌سازد. در این چارچوب، مطالعه با واکاوی علل و سازوکارهای تقلب در وزن و اندازه، به بررسی جایگاه سلسله‌مراتب صنفی و شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد تا به این پرسش مرکزی پاسخ دهد که: اصناف اصفهان چگونه توانستند فریبکاری‌های رایج در بازار را به سازوکاری برای تاب‌آوری نهادی و ثبات اقتصادی تبدیل کنند و از این طریق استمرار تجارت و تعادل قیمتی را تضمین نمایند؟ یافته‌ها بر این فرض استوارند که تقلب، برخلاف تصوری از آن به عنوان انحراف صرف، در بستر نهادهای صنفی به فرآیندی برای تقویت خودتنظیمی و پرورش حکومت‌داری تطبیقی بدل شد.این پژوهش با تکیه بر روایت‌های تاریخی، منابع فقهی و چارچوب‌های تحلیلی اقتصاد نهادی، اصناف را نهادهایی ترکیبی ترسیم می‌کند که میان خودمختاری محلی و نظارت مرکزی پیوند برقرار می‌کردند. از منظر روش‌شناسی، این مطالعه از رویکرد توصیفی–تحلیلی بهره می‌برد و بر پایه متون تاریخی دیوانی ، منابع فقهی و سفرنامه ها استوار است، و با ابزارهایی چون تحلیل موضوعی برای شناسایی الگوهای تقلب و شبکه‌های اجتماعی ترکیب گردیده است .نتایج مطالعه نشان می‌دهد ابزارهایی چون نشست‌های درونی، فتواهای اخلاقی و نظام‌های تنبیهی سلسله‌مراتبی نه تنها ابزار نظارتی بودند، بلکه به تقویت سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری اعتماد شبکه‌ای نیز انجامیدند. از این منظر، اصناف نقش محوری در بازتعریف تقلب از رفتاری نابه‌هنجار به سازوکاری درون‌زا برای حفظ تعادل اقتصادی ایفا کردند؛ به گونه‌ای که اصول اخلاقی در منطق بازاری جای گرفت و به مهار تورم و افزایش کارایی جمعی انجامید. در نهایت، تحلیل این نظام صنفی پیامدهایی مهم برای نظریه‌های تنظیمی معاصر در اقتصادهای در حال گذار دارد و اهمیت مدل‌های خودحکمرانی را در بخش‌های غیررسمی برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: ایران؛ صفوی،اصناف ،تقلب در اوزان؛ تنظیم بازار،بازارهای اصفهان؛ خودتنظیمی نهادی.

Supervisory Strategies of Guilds over Isfahan's Local Markets in the Safavid Era: Countermeasures against Fraud, Manipulation of Weights and Measures, and Their Impact on Economic Stability (907–1135 AH)

Abstract

The present study examines the institutional dynamics of economic regulation in the markets of Isfahan during the Safavid period (1501–1722 CE), focusing on the role of guilds in curbing fraud in weights and measures as a key factor in the formation of a self-sustaining economic order. The study's main innovation lies in redefining fraud not merely as a deviation but as an endogenous and adaptive process within guild institutions that contributed to institutional self-regulation and resilience. This perspective highlights the significance of local self-governance models in conjunction with central oversight.Within this framework, the research explores the causes and mechanisms of fraud in weights and measures, analyzing the hierarchical structure of guilds and their social networks to address the central question: how did the guilds of Isfahan transform market deception into a mechanism for institutional resilience and economic stability, thereby ensuring trade continuity and price equilibrium? The findings rest on the assumption that fraud, rather than being a mere anomaly, functioned within guild institutions as a process reinforcing self-regulation and adaptive governance.Drawing on historical narratives, legal-ethical sources, and analytical frameworks from institutional economics, the study conceptualizes guilds as hybrid institutions linking local autonomy with central supervision. Methodologically, it adopts a qualitative-historical approach based on the content analysis of primary sources, including legal texts and travelogues, combined with thematic analysis to identify patterns of fraud and map social networks. The results demonstrate that mechanisms such as internal councils, ethical fatwas, and hierarchical disciplinary systems served not only as regulatory tools but also as means of strengthening social capital and trust networks. In this sense, guilds played a pivotal role in redefining fraud from a deviant act into an endogenous mechanism for maintaining economic balance—embedding ethical principles within market logic and contributing to inflation control and collective efficiency. Ultimately, the analysis of this guild system yields important implications for contemporary regulatory theories in transitional economies, underscoring the value of self-governing models within informal sectors.

Keywords: Iran; Safavid; guilds; fraud in weights and measures; market regulation; Isfahan markets; institutional self-regulation.

مقدمه

دوره صفوی، بویژه ایام سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق)، به عنوان یکی از نقاط عطف در تاریخ اقتصادی ایران شناخته می‌شود، که ساختارهای تجاری و تولیدی، بر پایه ادغام سنت‌های محلی و شبکه‌های جهانی، شکل گرفتند. بازارهای محلی اصفهان، به عنوان مرکز اصلی این ساختار، با تمرکز بر مبادلات ابریشم، فرش، غلات و صنایع دستی، گردش سالانه‌ای معادل تقریبی پنج میلیون تومان نقره‌ای را رقم می‌زدند(فلور،۱۳۹۵ :۱٤۸)؛ حجم مبادلاتی که بر اساس گزارش‌های منابع در قرن یازدهم قمری، بازتاب‌دهنده عمق پیوند اقتصاد شهری با مسیرهای تجاری خلیج فارس و مدیترانه بود.(شاردن،۱۳٦۷،ج۲ :۲۰۵ ؛ Steinmann,1987:68-74) این بازارها، با سازمان‌دهی حول محور قیصریه و کاروانسراهای سلطنتی، نه تنها منبع درآمد سلطنتی بودند، بلکه بنیان پایداری مالی و اجتماعی شهر را تشکیل می‌دادند و به اصفهان جایگاه یک قطب اقتصادی منطقه‌ای می‌بخشیدند.

با این حال، این پویایی اقتصادی با چالش‌های ساختاری همراه بود. دستکاری اوزان و پیمانه‌ها، به عنوان رایج‌ترین شکل تقلب اقتصادی در معاملات روزمره، زیان‌های قابل توجهی ایجاد می‌کرد؛ عمل‌هایی مانند کج‌کردن ترازوها به میزان ۲-۱ درصد یا دستکاری پیمانه‌های غلات و مایعات، گاه تا ۱۵ درصد حجم معاملات را تحت تأثیر قرار می‌داد و به اختلال در جریان کالایی، افزایش تورم محلی و کاهش اعتماد میان تجار منجر می‌شد. این جرایم، ریشه در عوامل متنوعی مانند رقابت‌های ناشی از مهاجرت‌های قومی (از جمله ورود ارامنه به جلفای اصفهان) و محدودیت‌های فنی سنجش در آن دوران داشتند. در چارچوب فقه شیعی صفوی، چنین تخلفاتی نه تنها مسائل اقتصادی، بلکه نقض احکام حسبه‌ای به شمار می‌رفتند و نیازمند سازوکارهای نظارتی فوری بودند.

در این زمینه، اصناف اصفهان به عنوان نهادهای نیمه‌مستقل با ساختار سلسله‌مراتبی – نقش اساسی در تنظیم بازار ایفا می‌کردند. این اصناف، از طریق کدخداهای ریش‌سفید و بازرسان محلی، میان الزامات فقهی و نیازهای عملی تجارت واسطه‌گری می‌نمودند. پژوهش حاضر، با تمرکز بر این نقش، به این سؤال محوری می‌پردازد: اصناف اصفهان چگونه از سازوکارهای تنظیمی برای مهار دستکاری اوزان بهره می‌بردند و این سازوکارها تا چه حد در تضمین پایداری اقتصادی محلی از جمله ثبات قیمتی و حفظ جریان تجاری مؤثر بودند؟ این بررسی، به تحلیل چگونگی تبدیل تقلب‌های بازاری به فرصتی برای خودتنظیمی نهادی می‌پردازد و به فهم بهتر الگوهای اقتصادی در حکومتهای اسلامی یاری می‌رساند، ضمن اینکه درس‌هایی برای سیاست‌های تنظیمی معاصر در اقتصادهای در حال گذار ارائه می‌دهد.

برای تحقق این اهداف، این پژوهش به شیوه کتابخانه ای و با رویکردی توصیفی-تحلیلی، برپایه منابع دیوانی و سفرنامه‌های اروپایی و تحقیقات متأخر استوار است که تصویری زنده از ناهنجاری‌های تجاری ارائه می‌دهند. ژان شاردن در سفرنامه خود به تفصیل به استفاده از ترازوهای جعلی در بازار اصفهان اشاره کرده و نقش اصناف را در نظارت بر اوزان برجسته می‌سازد، که تقلب به عنوان

تهدیدی برای اعتماد عمومی توصیف شده است. تاورنیه نیز دستکاری‌های وزنه‌ها را در معاملات ابریشم و ادویه گزارش می‌کند و راهکارهای تنبیهی اصناف را به عنوان ابزاری برای حفظ تعادل بازار توصیف می‌نماید. از سوی دیگر، منابع دیوانی مانند *تاریخ عالم‌آرای عباسی* اسکندربیگ‌منشی (۱۰۵۸ق) به قوانین سلطانی در تنظیم اصناف اشاره دارد و پایداری اقتصادی را به نظارت جمعی بر تقلب پیوند می‌زند. (ترکمان ، ۱۳٦۲، ج۲ :۷٦۰) میرزا سمیعا درکتاب *تذکره‌الملوک* با توصیف مناصب دیوانی، جایگاه «کلانتر»، «نقیب» و «داروغه» را در نظارت بر اصناف و بازار به‌خوبی نشان می‌دهد .(میرزا سمعیا ، ۱۳٦۲: ۱٦۲)میرزا رفیعا دراثر خود از اتحادیه های صنفی و سلسه مراتب آن صحبت میکند(میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۲۷) این منابع کلاسیک، هرچند غنی از توصیفات تجربی، فاقد تحلیل ساختاری عمیق بوده و بیشتر بر رویدادهای موردی تمرکز دارند. در مجموع، این متون پایه‌ای برای درک تاریخی تقلب فراهم می‌آورند، اما نیاز به تفسیرهای میان‌رشته‌ای را نیزبرجسته می‌سازند.

منابع نوین بر رویکردهای نهادی و اقتصادی تمرکز دارند و پایداری بازارهای صفوی را از منظر اصناف اصفهان بازخوانی می‌کنند مهدی کیوانی در رساله دکتری خود با عنوان *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی* به بررسی اوضاع و ساختاراصناف و روابط آنها با حکومت در دوره صفوی می پردازد (کیوانی، ۱۳۹۲). ویلم فلور در مقاله *اصناف* به بررسی دستکاری اوزان در بازارها پرداخته و پایداری اقتصادی را به عنوان نتیجه تعامل هنجارهای اجتماعی و قوانین عرفی توصیف می‌نماید.(فلور،۱۳۸۸ :۹۷–۱۱۲) مطالعات اخیر مانند مقاله عقیلی با عنوان *طبقه‌بندی اصناف و بررسی ساختار آنها در عصرصفویه* به ساختار و نقش اصناف در شاکله اقتصادی عصر صفوی اشاره **می کند**.(عقیلی،۱۳۹۲ :۱۳۱–۱۵۷) نوآوری پژوهش حاضر بر خلاف آثار پیشین مانند اثر کیوانی که عمدتاً به توصیف ساختار و زندگی صنفی، طبقه‌بندی اصناف و رابطه آنان با دولت در چارچوب تاریخ اجتماعی–اقتصادی می‌پردازد، با تمرکز بر سازوکارهای نظارتی اصناف اصفهان بر جعل اوزان و مقادیر، تقلب را از سطح یک تخلف اخلاقی،اداری به سطح یک فرایند درون‌زای نهادی ارتقا می‌دهد که در تولید خودتنظیمی و تاب‌آوری ساختار صنفی نقش ایفا می‌کند و با ترکیب تحلیل تاریخی کیفی با تحلیل محتوای متون فقهی–اخلاقی و ترسیم شبکه‌های اعتماد و سلسله‌مراتب انضباطی اصناف، این امکان را فراهم می‌آورد که از تجربه بازارهای محلی اصفهان مدلی مفهومی برای تبیین نقش نهادهای غیررسمی در تنظیم‌گری بازار در اقتصادهای در حال گذار استخراج شود. با این حال، شکاف تحقیقاتی عمده در عدم بررسی تطبیقی تقلب با بازارهای معاصر آن مثل عثمانی یا گورکانی ، بررسی تحلیل‌های کمی بر پایه داده‌های آرشیوی و نقش جنسیت در نظارت اصناف نادیده گرفته شده. این خلأها فرصت‌هایی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با محوریت اقتصاد و جامعه شناسی با ابزارهای دیگر فراهم می‌آورند تا پایداری اقتصادی صفوی را در چارچوب جهانی بازسازی کنند.

۱. اشکال و گونه‌های جرایم تقلب وزنی:

در نظام اقتصادی شهری صفوی، به ویژه در بازارهای اصفهان، جرایم تقلب وزنی به عنوان پدیده‌ای چندلایه ظاهر می‌شدند که فراتر از تخلفات فردی، بر ساختارهای تجاری و اجتماعی تأثیر می‌گذاشتند. این جرایم، که عمدتاً در مراکز اصلی تجاری مانند(بازار قیصریه ، بازار گلشن ، جارچی باشی، بازارچه ریسمان، بازار علیقی آقا و راسته‌های اطراف میدان نقش جهان) رخ می‌دادند(کیوانی ،۱۳۹۲ :٤٨ ؛عقیلی، ۱۳۹۳ :۱۳۱–۱۵۷)، بر پایه ناهماهنگی میان استانداردهای سنجش سلطنتی و شیوه‌های محلی بنا شده بودند.و به شیوه های ذیل نمود پیدا کرده بودند.

۱,۱دستکاری اوزان

به عنوان برجسته‌ترین گونه تقلب، بر کالاهای جامد مانند ابریشم و غلات تمرکز داشت و شامل کم‌فروشی عمدی از طریق تغییر مکانیکی ترازوها یا استفاده از وزنه‌های جعلی (مانند وزنه‌های سرب‌مغز با روکش مسی) بود. این عمل، که زیان مستقیم بر زنجیره تأمین وارد می‌کرد ؛و اعتماد مبادلاتی را تضعیف و به نوسانات قیمتی دامن می‌زد.

« در بازارهای اصفهان، تجار غله را با ترازوهای ناصواب و وزنه‌های مغشوش می‌فروختند، تا وزن موعود را ناقص سازند و سود خویش را افزون کنند، و این امر موجب اختلال در نان مردم و خشم دیوان بود»

(ترکمان، ۱۳٦۲، ج۱: ٤٥٦)

در توصیفات دیوانی، موارد متعددی از شکایات تجار ابریشم‌فروش ثبت شده که حاکی از کم‌فروشی تا ۵ درصد وزن محموله‌ها است (همان؛ ٤٥٧؛ خراسانی، ۱۳۸۰: ۲۹۸؛Richard, 1995: 183). چنین دستکاری‌هایی، به ویژه در تجارت ابریشم – که بیش از ٤٠ درصد صادرات صفوی را تشکیل می‌داد – نه تنها درآمدهای سلطنتی را کاهش می‌داد، بلکه اختلال در مسیرهای تأمین از نواحی شمالی مانند گیلان تا بنادر جنوبی مانند بندرعباس ایجاد می‌کرد و بر تعادل ارزی تأثیر منفی می‌گذاشت.

تقلب وزنی در سکه‌های نقره و طلا یکی از رایج‌ترین شیوه‌های اختلاس پولی بود که با هدف کاهش وزن فلز گران‌بها بدون آسیب جدی به ظاهر سکه انجام می‌گرفت و به بی‌ثباتی نظام پولی دامن می‌زد (فلور ۱۳۹۵: ١٤٠). اصلی‌ترین روش، تراش لبه بود، جایی که متقلبان با ابزارهای تیز مانند چاقو یا فایل، لبه‌های سکه‌های اشرفی و شاهی را به تدریج می‌تراشیدند تا وزن آن‌ها را از استاندارد ۱۰–۸ گرم به کمتر از ۷ گرم برسانند، سپس تراشه‌های جمع‌آوری‌شده را ذوب کرده و سکه‌های جعلی جدید ضرب می کردند؛ این عمل، که اغلب در کارگاه‌های مخفی یا توسط دلالان هندی مقیم ایران انجام می‌شد، به دلیل عدم وجود لبه‌های شیاردار در سکه‌های صفوی، به راحتی پنهان می‌ماند و گردش سکه‌های سبک‌شده را در معاملات روزمره تسهیل می‌کرد (سانسون، ١٣٤٦ : ۳۹۷). گزارش‌های معاصر نشان می‌دهد که در اواخر قرن یازدهم هجری، بیش از ۳۰ درصد سکه‌های گردش‌یافته در بازارهای اصفهان

مانند میدان نقش‌جهان، مشمول این تقلب بودند، که این امر نه تنها تورم را تشدید می‌کرد، بلکه اعتماد تجار ارمنی و اروپایی را سلب نموده و به خروج سرمایه به سمت عثمانی و هند منجر می‌شد (لاکهارت،۱۳۸۳ :۳٤٥). روش دیگر، ضرب سکه‌های تقلبی با وزن مصنوعی بود؛ متقلبان با آلیاژ کردن نقره با مس یا سرب، سکه‌هایی با وزن ظاهری استاندارد اما عیار پایین (کمتر از ۹۰۰ در هزار) تولید می‌کردند و با استفاده از قالب‌های غیررسمی، آن‌ها را به عنوان خروجی ضرابخانه سلطنتی جا می‌زدند، که این تقلب به ویژه در دوره شاه سلطان حسین رواج یافت (فلور، ۱۳۹٥ :۱٤٥)

۱-۲ تقلب پیمانه‌ای

این روش که بر کالاهای مایع مانند روغن زیتون، شراب انگوری و عسل طبیعی متمرکز بود، گونه‌ای پیچیده‌تر و فنی‌تر از تقلب به شمار می‌رفت و بر پایه دستکاری ظروف اندازه‌گیری (پیمانه‌ها) استوار بود؛ به طوری که، پیمانه‌ها با لایه‌های داخلی مومی یا چوبی پر می‌شدند تا حجم واقعی ۱٥-۱۰ درصد کمتر از استاندارد سلطنتی باشد، عملی که در راسته‌های روغن‌فروشان و عسل‌کاران اصفهان رواج داشت و اغلب با تقلب‌های بهداشتی نیز همراه بود. جهانگردان اروپایی، که مشاهدات مستقیم از این بازارها داشتند، توصیف می‌کنند چگونه پیمانه‌های ظاهراً استاندارد روغن، در عمل حجم کمتری عرضه می‌کردند.

> *«در راسته‌های شراب‌کاران اصفهان، پیمانه‌ها را با موم و چوب پر می‌نمودند تا حجم شراب ناقص آید، و این فریب، در میان تاجران رواج یافت و به آلودگی و ناآرامی بازار دامن زد»*(دلاواله، ۱۳٤۸، ص.: ۳٤٥؛ شاردن، ۱۳٦۷،ج۲ :۲۳٦-۲۳٤).

این نوع تغییر در اوزان، در مواقع کمبود عرضه (مانند قحطی‌های ۱۰۲٥ ق)، به تشدید نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زد و حتی به شورش‌های محلی در بازارهای حاشیه‌ای اصفهان منجر می‌شد. برطبق نوشته های ونیزی ها، که مبادلات صفوی را با اروپا ثبت می‌کردند، نشان‌دهنده شیوع این جرم در ۲۰ درصد معاملات مایعات صادراتی (مانند شراب ،گلاب و عرقیجات)به هند شرقی است، که این امر اعتبار تجاری اصفهان را در سطح بین‌المللی خدشه‌دار می‌کرد (ریدن،۱٤۰۲: ۱٦۳ ؛ فلور، ۱۳۹٥: ۱٥٦).

۱-3 قاچاق وزنی

به عنوان گونه‌ای فرا مرزی تقلب، شامل پنهان‌کاری وزن کالاها در عبور از ایستگاه‌های گمرکی و مرزهای تجاری بود و اغلب با جرایم راهزنی کاروان‌ها هم‌پوشانی داشت. این عمل، که در مسیرهای خشکی اصلی از تبریز تا بغداد و از اصفهان تا هرمز رواج داشت، با افزودن مواد سبک مانند شن یا خاک به محموله‌ها برای افزایش وزن ظاهری در هنگام وزن کشی محصول وکاهش آن برای دور زدن عوارض گمرکی انجام می‌شد و زیان دیوانی را تا ۳۰ درصد افزایش می‌داد» (هربرت، ۱٤۰۰ : ۲۷۸؛)جهانگرد فرانسوی، در گزارش‌های خود از قاچاق ابریشم با وزنه‌های جعلی سخن می‌گوید، که تجار وزن محموله‌ها را دستکاری می‌کردند

تا از مالیات‌های سلطنتی بگریزند (تاورنیه، ۱۳۸۳:۲۲۰-۲۱۰؛ اولئاریوس، ۱۳٦۳: ٤۱۲). این قاچاق، فراتر از زیان مالی، به بی‌ثباتی نرخ‌های ارزی دامن می‌زد و حتی به تنش‌های دیپلماتیک با عثمانی منجر می‌شد؛ زیرا محموله‌های جعلی بر کیفیت صادرات صفوی تأثیر منفی می‌گذاشت (فلور، ۱۳۹۵ :۱٦۷؛ نویدی، ۱۳۸٦ : ۲۰۵). در مقایسه با بازارهای عثمانی، که پیمانه‌های استاندارد سلطنتی سفت‌وسخت‌تری داشتند، تقلب وزنی در دوران صفویه تا ۲۵ درصد فراوان‌تر بود، که این امر بر پایداری کلی تجارت منطقه‌ای سایه می‌انداخت (فلور، ۱۳۹۵: ۱٦۷؛ شاردن،۱۳٦۷، ج۲: ۲۹۸). این طبقه‌بندی گونه‌ها، که از تقلب فردی تا ساختارهای قاچاقی امتداد می‌یابد، ضرورت کاوش عوامل اجتماعی و حقوقی عمیق‌تر را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد چگونه این جرایم، از چالش‌های فنی سنجش تا ضعف‌های نظارتی، ریشه می‌گرفتند.

۲.عوامل اجتماعی و ساختاری شیوع تقلب اوزان:

شیوع جرایم تقلب وزنی در بازارهای صفوی، بیش از آنکه به انگیزه‌های فردی یا سوداگرانه محدود شود، ریشه در تحولات اجتماعی و ساختاری داشت که پویایی‌های جمعیتی و اقتصادی اصفهان را دگرگون می‌ساختند

۲,۱ مهاجرت ارمنیان به جلفا و رقابت بازاری

کوچ بزرگ ارامنه از جلفای ارمنستان به جلفای اصفهان در ۱۰۱۳ق ۱٦۰٤ م، به عنوان عامل اصلی تشدید رقابت‌های بازاری عمل کرد. شاه عباس اول، با هدف انحصار تجارت ابریشم و بهره‌برداری از شبکه‌های ارمنی-اروپایی، بیش از ۳۰ هزار نفر را کوچ داد، که این مهاجران با دانش فنی تجارت، به سرعت در راسته‌های ابریشم و فرش نفوذ کردند (ترکمان، ۱۳۸۷ج۳. ۳٤۵؛ غوگاسیان ۱۳۹۳ : ۱۷۸؛درهونیان، ۱۳۷۹ :۱۰۵). این ورود ناگهانی، تنش‌های قومی میان تجار محلی پارسی و ارمنی را ایجاد کرد و مهاجران را به تقلب وزنی برای جبران هزینه‌های اولیه و رقابت با انحصارهای سلطنتی واداشت. منابع ارمنی، که ثبت‌کننده شکایات ارامنه از کم‌فروشی پارسیان است، مواردی را توصیف می‌کند که مهاجران برای تلافی، اوزان ابریشم را تا ۱۰ درصد دستکاری می‌کردند، عملی که در ۱۵ درصد معاملات جلفا-اصفهان مشاهده شد (غوگاسیان، ۱۳۹۳ :۱۹۳؛شاردن، ۱۳٦۷ ج۳ : ۲۹۸؛فلور، ۱۳۹۵: ۱٦۵). این رقابت قومی، نه تنها به تقلب فردی، بلکه به شبکه‌های قاچاقی کوچک منجر شد و جریان کالایی را در بازارهای حاشیه‌ای مختل کرد.

۲,۲. فشارهای رقابتی ناشی از تمرکز اقتصادی در اصفهان

فشارهای رقابتی ناشی از تمرکز اقتصادی در اصفهان، به عنوان پایتخت جدید از ۱۰۰٦ ق، عوامل ساختاری دیگری را برانگیخت. با انتقال پایتخت از قزوین، جمعیت شهر به بیش از ٦۰۰ هزار نفر رسید و این تراکم، رقابت بر سر فضاهای تجاری و منابع محدود را تشدید کرد (دلاواله، ۱۳٤۸ : ۳۲۱؛ چلبی، ۱۳۷۰، ص. ۱۸۷). اصناف محلی، که تحت فشار خراج سلطنتی برای تأمین بودجه درباری بودند، به تقلب پیمانه‌ای در غلات روی می‌آوردند، به ویژه در دوره‌های قحطی مانند ۱۰۲۵ هـ‌ق، که عرضه محدود را

بهانه‌ای برای دستکاری حجم‌ها قرار می‌داد.ریدن به نقل از گزارش های هلندی ها اذعان می کند که چگونه رقابت میان غله‌فروشان محلی و مهاجران، به جنگ قیمتی و تقلب وزنی منجر شد و گردش تجاری را تا ۲۰ درصد کاهش داد (ریدن، ۱٤۰۲ :۱۸٤ ؛ تاورنیه، ۲۰۳:۱۳۸۳ ؛ hamel,2017 :16) علاوه بر این، عدم استانداردسازی کامل اوزان سلطنتی – که تا سلطنت شاه عباس دوم (-۱۰۵۳ ۱۰۷۷ هـ‌ق) ادامه یافت زمینه را برای شیوع تقلب فراهم می‌کرد، زیرا ترازوهای محلی با مقیاس‌های دیوانی همخوانی نداشتند و این ناهماهنگی، به ویژه در بازارهای فرعی، به زیان‌های پنهان منجر می‌شد (اولئاریوس، ۱۳٦۳:. ٤۲۰).

۲,۳ نابرابری‌های طبقاتی میان درباریان و پیشه‌وران کوچک

این عامل ، به عنوان یک استراتژی بقای اجتماعی و اقتصادی، موجبات تقلب را فراهم می آورد . تجار حاشیه‌ای، که از انحصارهای سلطنتی مانند تاجری انحصاری ابریشم محروم بودند، به دستکاری اوزان برای رقابت با خاندان‌های بزرگ ارمنی یا پارسی روی می‌آوردند (هربرت، ۱٤۰۰: ۲۹۰). این لایه‌های اجتماعی، که از مهاجرت‌های قومی تا فشارهای طبقاتی امتداد می‌یافتند، تقلب را از جرم فردی به الگویی جمعی تبدیل می‌کردند. مقایسه با دوره‌های اولیه صفوی (سلطنت شاه طهماسب، ۹۸٤-۹۳۰ ق) نشان می‌دهد که شیوع تقلب پس از انتقال پایتخت دو برابر شد، که این امر بر ثبات ارزی و اجتماعی اصفهان سایه افکند (اولئاریوس، ۱۳۷۹، ص. ٤۲۰؛ فلور ۱۳۹۵ : ۱۵۵–۱٦۸). در نهایت، این عوامل اجتماعی–ساختاری، لزوم کاوش مبانی حقوقی برای ریشه‌یابی و مهار تقلب را ضروری می‌سازد و نشان می‌دهد چگونه تحولات جمعیتی، تقلب را به چالشی نظام مند تبدیل کرد.

۳. ساختار درونی اصناف صفوی: سلسله‌مراتب و رهبری محلی

در ساختار درونی اصناف دوره صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ هـ‌ق)، سلسله‌مراتب بر پایه روابط استاد–شاگردی و رهبری جمعی استوار بود که اصناف را به واحدهای نیمه‌خودکفا تبدیل می‌کرد. در رأس هر صنف، "کدخدا" یا ریش‌سفید قرار داشت که از میان استادان باتجربه انتخاب می‌شد و مسئولیت‌های اجرایی مانند نظارت بر کیفیت تولید و حل اختلافات داخلی را بر عهده می‌گرفت. این انتخاب اغلب وراثتی یا بر اساس اکثریت آراء در جلسات صنفی بود و کدخدا با القابی چون "بزرگ پیشه‌وران" شناخته می‌شد. زیر دست او، "یشار" یا رئیس بازار عمل می‌کرد که امور روزمره مانند بازرسی ترازوها را مدیریت می‌نمود. استادان، به عنوان مالکان کارگاه‌ها، شاگردان را آموزش می‌دادند و بر توزیع مواد خام نظارت داشتند. شاگردان و کارگران، پایه تولید بودند و دوره کارآموزی سه تا پنج ساله را طی می‌کردند. این ساختار، اصناف را به نظام آموزشی–اقتصادی تبدیل می‌کرد و نرخ بیکاری را در شهرهایی مانند اصفهان به زیر ۵ درصد می‌رساند. جلسات هفتگی در خان‌های صنفی، برای بحث بر سر قیمت‌ها و قوانین داخلی برگزار می‌شد و "کتاب‌های صنفی" سوابق و موارد را ثبت می‌کردند. در اصفهان، بیش از ۵۰ صنف با این سلسله‌مراتب عمل می‌کردند و ثبات بازار را تضمین می‌نمودند (کیوانی، ۱۳۹۹: ۹۸–۸۵؛ فلور، ۱۳۸۸ : ۱۵۵–۱٤۰). این نظام، ریشه در سنت‌های ایلخانی داشت و اصناف را از تمرکزگرایی دولتی دور نگه می‌داشت.

۳,۱ نقش استادان و شاگردان در تولید و آموزش

در ساختار درونی، استادان و شاگردان هسته تولید و انتقال دانش را تشکیل می‌دادند و اصناف را به زنجیره‌ای آموزشی-تجاری پیوند می‌زدند. استادان، مالکان کارگاه‌ها، بر اساس "تعهدنامه صنفی" موظف به رعایت استانداردها بودند و شاگردان را در مهارت‌های تخصصی مانند بافت فرش یا ذوب طلا آموزش می‌دادند. دوره کارآموزی، از ۱۲ سالگی آغاز می‌شد و شامل حقوق ماهانه اندک و اقامت در کارگاه بود، که این امر نیروی کار ماهر را تضمین می‌کرد. مثلاً در اصفهان، استادان نساجی سهمیه ابریشم خام را بر اساس ظرفیت کارگاه توزیع و از احتکار جلوگیری می‌نمودند. شاگردان، پس از اتمام دوره، با آزمون عملی توسط کدخدا، به عنوان کارگر مستقل شناخته می‌شدند و مغازه‌ای اجاره‌ای می‌گرفتند. این نظام، نرخ مهارت را در اصناف زرگری به ۸۰ درصد رساند و صادرات طلا را افزایش داده بود. حقوق شاگردان، بر اساس فتواهای علما، حداقل معادل نان روزانه بود و اختلافات با میانجی‌گری رئیس بازار حل می‌شد. چالش‌هایی مانند استثمار شاگردان، گاه به اعتراضات منجر می‌شد؛ اما قوانین صنفی آن را مهار می‌کرد. این نقش، اصناف را به پایه اقتصاد دانش‌بنیان صفوی تبدیل کرده و بر تجارت با اروپا تأثیر گذاشته بود (شاردن ۱۳٦۷، ج۲: ۲۵۵-۲٤۰). در کل، آموزش درونی، پایداری بلندمدت اصناف را تضمین می‌نمود.

۳,۲ نقش دیوان بر ساختار درونی اصناف : نظارت محتسب؛کلانتر و داروغه

دیوان ، به عنوان ساختار خارجی اساسی، از طریق محتسب بر ساختار درونی اصناف تأثیر می‌گذاشت و تعادلی میان استقلال و کنترل مرکزی ایجاد می‌کرد. محتسب، بازرس سلطنتی، ابزارهای اندازه‌گیری را مهر می‌کرد و گزارش‌های هفتگی به بیگلربیگی ارسال می‌نمود تا از تقلب جلوگیری شود. کدخدا موظف به همکاری با محتسب بودو این نظارت، جلسات درونی را با استاندارهای دولتی همخوان می‌کرد و تقریباً باعث کاهش نرخ تورم تا ۱۵ درصد شده بود. دیوان، مالیات‌های صنفی را از طریق کدخدا جمع‌آوری می‌کرد و در عوض، حمایت حقوقی ارائه می‌داد. (میرزا رفیعا،۱۳۸۵ : ۳٦۵؛ کیوانی، ۱۳۹۹،:۱۷۵-۱٦۱).

کلانتر و داروغه، به عنوان مقامات شهری خارجی، بر انتصاب و عملکرد کدخدا تأثیر می‌گذاشتند و ساختار درونی را با اداره محلی پیوند می‌زدند. کلانتر، شهردار، بر انتخاب کدخدا نظارت داشت و گواهی انتصاب صادر می‌کرد، که این امر مشروعیت درونی را با دولت همخوان می‌نمود. در اصفهان، کلانتر با شورای اصناف مشورت می‌کرد و مالیات شهری را از صندوق‌های درونی جمع‌آوری می‌نمود. داروغه، به نوعی سرپرست بازار و مأمور اجرای سلطنتی، بخصوص بر مجازات‌ها، نظارت داشت و گاهی در انجام وظایف با محتسب در تعارض قرار می‌گرفتند. در دوره شاه عباس دوم(۱۰۵۲-۱۰۷۷)، داروغه بیش از ٤۰ مأمور برای بازرسی بازارها داشت که نرخ ها را کنترل کنند. این تعاملات، جلسات درونی را با سیاست‌های شهری هماهنگ می‌کرد و ارائه یارانه‌های بحران (مانند زمان قحطی) را تسهیل می‌نمودند. چالش‌هایی نیز وجود داشت مانند فشار مالیاتی،که به اعتراضات صنفی منجر می‌شد، اما

میانجی‌گری کلانتر آن را مهار می‌کرد. این نقش‌ها، اصناف را به شبکه‌ای شهری تبدیل کرده و بر تجارت داخلی تأثیر مثبت گذاشتند(تاورنیه،۱۳۸۳ :۳٦۰ ؛ نیومن، ۱۳۹۳: ۱٤۰–۱۳۰). در کل، کلانتر و داروغه، پلی میان درونی و خارجی بودند.

٤. سازو کارهای تنظیم اصناف در اقتصاد صفوی

٤,۱ .خودکنترلی درونی: جلسات و قوانین صنفی

خودکنترلی، یکی از ارکان اصلی ساختار درونی اصناف صفوی، از طریق جلسات منظم و قوانین داخلی اجرا می‌شد که استقلال محلی را نیز حفظ می‌کرد. جلسات هفتگی، اغلب جمعه‌ها در مساجد یا خان‌ها، به بازرسی ابزارهای اندازه‌گیری و بررسی کیفیت محصولات اختصاص داشت و کدخدا نقش محوری در هدایت آن‌ها ایفا می‌کرد. برای نمونه، در صنف زرگران اصفهان، جلسات منظم در خان زرگرها برگزار می‌شد و هر عضو موظف به ثبت وزن دقیق سکه‌ها و زیورآلات در حضور شاهدان بود؛ این عمل نه تنها اعتماد مشتریان را حفظ می‌کرد؛ بلکه از گردش سکه‌های تقلبی جلوگیری می‌نمود. قوانین درونی در "فرمان‌های صنفی" تدوین می‌شد که شامل مقررات عیار مواد، حقوق شاگردان و تقسیم سود بود؛ رئیس صنف یا کدخدا با دعوت از معتمدان درباری به جلسات، لایه‌ای از نظارت خارجی اضافه می‌نمودو از سوءاستفاده فردی جلوگیری میکرد. (سانسون، ۱۳٤٦ : ۲۵۸ ؛ میرزا رفیعا ، ۱۳۸۵ :۳۷۰ ؛ فلور ۱۳۸۸«۱۵۵–۱٦۰)

این جلسات نه تنها فنی بودند؛ بلکه جنبه آموزشی نیز داشتند و شاگردان را با اصول پیمانه‌سازی آشنا می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۸۳ :۱۹۰). در نهایت، پایداری اقتصادی صفوی تا حدی مدیون این روال منظم بود که تقلب را به حاشیه می‌راند (دلاواله، ۱۳٤۸: ۲۵۸؛ فلور، ۱۳۸۸: ۱۵۵) در بسیاری از منابع موفقیت این جلسات در کنترل احتکار غلات شرح داده شده است(شاردن، ۱۳۷٦،ج۳ :۲۷۰). هر صنف، دفترچه‌ای چرمی یا کاغذی داشت که در آن، حجم معاملات، وزن کالاها و امضای شاهدان ثبت می‌شد؛ این اسناد، در صورت شکایت، به دیوان محتسب ارائه می‌گردید و مبنای قضاوت قرار می‌گرفت (کمپفر، ۱۳٦۱:۱۳٤). رئیس صنف، مسئول به‌روزرسانی این سوابق بود و هر سه‌ماه یک‌بار، آن‌ها را برای بازرسی درباری می‌فرستاد. این سوابق نه تنها تقلب را افشا می‌کرد، بلکه الگویی برای آموزش نسل بعد فراهم می‌آورد (کیوانی، ۱۳۹۲ :۱٤۷–۱٤۵) مثلاً با توجه با گزارش های شاردن «محتسب هر روز بازار را بازرسی می‌کند و پیمانه‌های طول پارچه (مانند ذرع رسمی) را با مهر درباری منقوش می‌نماید تا از تقلب در اندازه‌گیری جلوگیری شود؛ پارچه‌فروشان موظف‌اند طول و عرض را در حضور شاهدان ثبت کنند، و هر انحرافی جریمه سنگین دارد»(شاردن، ۱۳۷٦ ج ۱٤۵:٤). یا در نساجی اصفهان، سهمیه ابریشم را تعیین می‌کردند و احتکار را مهار می‌نمودند. (شاردن، ۱۳۷٦، ج۳: –۲۵۰ ۲٦۰). این سیستم، الهام‌گرفته از بوروکراسی درباری صفوی، شفافیت را تضمین می‌کرد و ازاین خودکنترلی، اقتصاد شهری را پویا نگه داشت و بر تولید صادراتی تأثیر مثبت گذاشت (میرزا سمیعا، ۱۳٦۲: ٤۸ کارری، ۱۳٤۸ :۸۰ ؛کیوانی، ۱۳۹۹: ۱٤۸–۱۳٦). در نهایت، این ساختار، اصناف را به نهادهای مدنی اولیه تبدیل کرد.

٤,٣همکاری با دیوان: گزارش‌دهی و حمایت و کنترل متقابل

گزارش‌های قضایی ماهانه کدخدا به بیگلربیگی، لایه خارجی تنظیم را تشکیل می‌داد. این گزارش‌ها، شامل تقلب‌ها و پیشنهادهای قیمتی، سیاست‌های مرکزی را شکل می‌دادند. در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸–۹۹٦ ق)، برای نمونه گزارش‌های نقبای اصناف در بازارهای ابریشم و ادویه به بازرسی های دوره ای و مصادره اوزان معیوب و در نتیجه تاثیر مثبت بر صادرات ابریشم گذاشت (شاردن، ۱۳٦۷ ج۳:۲۱۰–۱۹۵؛ متی، ۱۳۹۰: ۱۵۰–۱۳۵).دیوان همچنین حمایتهای مالی نیز ارائه می‌داد؛ در بحران غلات ۱۰۳۰.ق،که به گفته هربرت "در اصفهان، جایی که نان ارزون‌ترین نعمت است، در آن سال غله چنان گران شد که مردم به خوردن علف و پوست حیوانات روی آوردندو شاه با فرستادن کاروان‌های غله از گیلان، شورش را خنثی کرد".(هربرت، ۱٤۰۰ :۲۹۰) یارانه‌ها تورم را ۲۰ درصد کاهش داد (فلور، ۱۳۸٤، ص. ۱۷۵–۱٦۰؛ کیوانی، ۱٤۰۰، ص. ۱٦۵–۱۵۰). و از طرفی بحران احتکار غله که توسط ارامنه سازماندهی می شد، که غله را برای تجارت با هلندی‌ها ذخیره می‌کردند،اصناف با همکاری دیوان بازرسی بر انبارها و تعیین مالیات بر حجم کالاهای احتکار شده به ثابت نگه داشن بازار، اقدام نمودند(همان :۲۹۱؛ ترکمان، ج۲ :۳۲۰).گاهی تنش ها و اعتراضاتی از سوی بازاریان در رابطه با دستکاری گزارش‌ها توسط محتسب صورت می‌گرفت، برای نمونه، در سال‌های حکومت شاه عباس اول (حدود ۱۰۱۰ قمری)، محتسب بازار اصفهان، به نام میرزا محمد، با دریافت هدیه از تجار ابریشم، گزارش‌های بازرسی اوزان را جعل کرد و اوزان معیوب را به عنوان استاندارد سلطنتی تأیید نمود، که این امر منجر به ضرر کشاورزان و پیشه‌وران شد و در منابع دیوانی به عنوان تخلف ثبت گردید.(میرزا سمیعا،۱۳٦۲ :۱۳۹) این دستکاری، که بر اساس رشوه‌های ماهانه از اصناف ثروتمند صورت می‌گرفت، باعث افزایش قیمت‌ها و ناآرامی در بازار نقش جهان شده بود (متی، ۱٤۰۳: ۱۷۰–۱۵۵).در چنین مواردی، اصناف با گزارشات مستقیم به دربار و عزل محتسب تقریباً به ثبات اقتصادی کمک می‌کردند.(شاردن، ۱۳۷٦ ج٤ :۱٤۸–۱۵۲)

٤,٤مجازات‌های انضباطی: تنبیه و بازدارندگی

در دوران صفوی، مجازات‌های مرتبط با کم‌فروشی و تقلب در اوزان در بازارهای اصفهان، بر پایه اصول فقهی حسبه و مقررات اداری دیوان سلطنتی استوار بود و اصناف به عنوان بازوی اجرایی، نقش محوری در شناسایی و گزارش تخلفات ایفا می‌کردند. مجازات‌ها، از شلاق عمومی برای تقلب‌های کوچک (مانند دستکاری ترازو) تا اخراج و مصادره برای احتکار را شامل می‌شدند. (میرزا سمیعا، ۱۳٦۲، ص. ۵۵–۵۰؛ لمبتون، ۱۳٦۲: ۲٤۵–۲۳۵)کم‌فروشی، که شامل تحویل کمتر از مقدار توافق‌شده کالا بود، اغلب با جریمه‌های مالی تنبیه می‌شد؛ به طوری که متخلفان موظف به جبران خسارت و پرداخت جریمه‌ای معادل دو برابر مبلغ تقلب بودند، که نیمی از آن به خزانه دیوان و نیمی به صندوق اصناف اختصاص می‌یافت. برای مثال، در سال ۱۰۱۵ قمری، نانوایی در بازار قیصریه اصفهان به دلیل کم‌فروشی در وزن نان، جریمه‌ای معادل ۵۰ تومان تحمل کرد و از عضویت موقت در اصناف نانوایان محروم شد. تقلب در اوزان، مانند استفاده از ترازوهای دستکاری‌شده، با مصادره ابزارهای تقلب و جریمه‌ای متناسب با ارزش معاملات همراه بود؛ در موردی خاص، قصابی در محله جلفا در ۱۰۲۰ هجری، به دلیل جعل وزن گوشت، ۳۰ تومان جریمه و

گوشت‌های معیوبش سوزانده شد. (شاردن، ۱۶۲، ج۲: ۲۷۵–۲۶۵؛ فلور، ۱۳۹۷: ۱۰۵–۹۰). در بازار ابریشم، تقلب در وزن نخ‌ها با جریمه‌ای تا ۱۰۰ تومان همراه بود، که بخشی از آن برای آموزش پیشه‌وران جدید هزینه می‌شد. این ساختار، بازار اصفهان را به الگویی از عدالت اقتصادی تبدیل کرده و از انباشت ثروت ناعادلانه نیزجلوگیری می نمود (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۱–۲۴۹؛ سانسون، ۱۳٤٦: ۲٤۹) .

مجازات‌های جسمانی برای کم‌فروشی و تقلب در اوزان در اصفهان ، به ویژه در موارد تکراری یا شدید، شامل فلک کردن و تحقیر عمومی بود که توسط محتسب با همکاری کلانتران اصناف اجرا می‌شد. فلک کردن، که شامل شلاق زدن تا ۳۹ ضربه بر پشت متخلف بود، برای تقلب در وزن غلات اعمال می‌شد؛ برای نمونه، در ۱۰۳۰ قمری، تجمعی از بافندگان ابریشم در بازار سلطان امیراحمد به دلیل کم‌فروشی در نخ، هر کدام ۲۰ ضربه فلک خوردند و مجبور به عذرخواهی عمومی شدند. (شاردن، ۱۳٦۲، ج: ۲۷۰). تحقیر عمومی از طریق "تخته‌کلاه"، که گردن متخلف با تخته‌ای چوبی بسته و با زنگوله در بازار گردانده می‌شد، برای جعل اوزان جواهرات استفاده می‌شد؛ موردی در ۱۰٤۵ هجری، جواهرفروشی در بازار شاه به این مجازات محکوم شد و نامش در دفاتر اصناف ثبت گردید. اصناف، با برگزاری جلسات انضباطی، پیش از اجرای مجازات، متخلف را از معاملات داخلی محروم می‌کردند و این امر بازدارندگی از تقلب را در برهه ای از زمان افزایش می‌داد.(همان؛ ۲۷۰–۲۷۵).

در موارد مرتبط با قحطی، مانند تقلب در وزن برنج در ۱۰۳۵ هجری، مجازات به زندان موقت تا شش ماه می‌رسید، که توسط داروغه بازار نظارت می‌شد. این تنبیهات، بر اساس شریعت، با هدف اصلاح اخلاقی پیشه‌وران بود و براساس منابع نشان‌دهنده کاهش ۳۰ درصدی تخلفات پس از اجرای آنها است. برای تقلب در اوزان ادویه، که سلامت عمومی را تهدید می‌کرد، شلاق و مصادره کالا همزمان اعمال می‌شد؛ (فلور ،۱۳۹۲ :٦۹)مثلاً در محله درب امام، عطاری‌ای در ۱۰۲۵ هجری ۲۵ ضربه خورد و از صنف اخراج شد.(تاورنیه، ۱۳۸۳ :۲۰۸))نقش اصناف در این فرآیند، از طریق شهادت‌دهی پیشه‌وران همکار، حیاتی بود و از سوءاستفاده محتسب جلوگیری می‌کرد. این مجازات‌ها، تعادل میان اقتدار دولتی و خودتنظیمی صنفی را برقرار می‌نمود. در مجموع، آنها بازار را به فضایی امن برای تجارت تبدیل کردند. (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۰۲؛ شاردن، ۱۳۷٦ ج٤ :۲۸۵) .

در اوج دوران صفوی، مجازات‌های شدیدتر مانند زندان طولانی‌مدت یا حتی مرگ برای کم‌فروشی و تقلب در اوزان، در موارد مرتبط با فساد گسترده یا تهدید امنیت اقتصادی اعمال می‌شد، که اصناف با گزارش‌های مستقل، اجرای آنها را تسهیل می‌کردند. زندان، که در قلعه‌های مانند ارگ اصفهان بود، برای متخلفان تکراری تا یک سال طول می‌کشید؛ برای مثال، در ۱۰۵۰ قمری، کلانتر اصناف غله‌فروشان به دلیل سازمان‌دهی تقلب در اوزان گندم، شش ماه زندانی شد و اموالش مصادره گردید.(همان:۲۸٦؛کیوانی ، ۱۳۹۹ :۱۹۸) مرگ، هرچند نادر، برای جعل اوزان سلطنتی در معاملات عمده، مانند ابریشم صادراتی، در نظر گرفته می‌شد؛ موردی در ۱۰٤۰ هجری، تاجری در بازار بزرگ به دار آویخته شد؛ زیرا تقلبش به ضرر خزانه سلطنتی رسیده بود. اصناف، با اعمال تحریم‌های داخلی مانند طرد دائمی، مکمل این مجازات‌ها بودند و نقیبان موظف به نظارت بر بازماندگان متخلف می‌شدنداین

اقدامات معمولاً نرخ جرایم را به کمتر از ۵ درصد رسانده و اعتماد تجار خارجی را جلب کرد. (فلور، ۱۳۸۱ : ٦٩-٨١؛ متی، ١٤٠٣: ١٩٠-١٧٥؛). در بازار فرش، کم‌فروشی در گره‌ها، با زندان و جریمه همزمان تنبیه می‌شد؛ مثلاً در ۱۰۳۸ هجری، بافنده‌ای سه ماه زندانی شد. نقش اصناف در بازدارندگی، از طریق آموزش و بازرسی‌های مشارکتی، برجسته بود و از تمرکز قدرت در دیوان جلوگیری می‌کرد. این مجازات‌ها، که با سیاست‌های شاه عباس همخوانی داشت، ثبات اقتصادی را تضمین نمود. در نهایت، آنها الگویی برای حکومت‌های بعدی فراهم آوردند. (ترکمان، ۱۳۵۰ :۲۲۰ ؛کیوانی، ۱۳۹۹: ۲۲۳)

٤,٥ استفاده از تأثیر علما و فقه شیعی بر قوانین درونی

علما به عنوان نخبگان دینی شیعی، نقش محوری در تقویت ساختار اخلاقی و حقوقی بازار ایفا می‌کردند و با اصناف اتحادی استراتژیک تشکیل دادند تا از تقلب در اوزان جلوگیری نمایند. این اتحاد، که ریشه در سنت‌های حسبه اسلامی داشت، علما را به عنوان مشاوران فقهی و ناظران اخلاقی اصناف تبدیل کرد، جایی که فتواهای آنها بر پایه احادیث امامان شیعه، رعایت عدالت در معاملات را الزامی می‌دانست و تقلب را به عنوان غش (فریب) حرام اعلام می‌نمود(دوسرسو، ۱۳۹۱ :۱۸۵،جعفریان، ۱۳۸۹: ٤٥٦-٤٦٠). علما، اغلب از طریق انتصاب به عنوان محتسب یا شیخ‌الاسلام، بازرسی‌های دوره‌ای بر بازارهای اصفهان انجام می‌دادند و با نقبای اصناف جلسات مشورتی برگزار می‌کردند تا استانداردهای وزنی سلطنتی را با قواعد شرعی همخوان سازند؛ برای نمونه، در معاملات ابریشم، علمایی چون محمدباقر مجلسی با صدور رساله‌هایی، پیشه‌وران را به ثبت اوزان در دفاتر شرعی ملزم می‌کردند، که این امر شفافیت را افزایش داده و امکان ردیابی تخلفات را فراهم می‌آورد این همکاری، که بر اساس اصل ولایت فقیه اولیه صفوی استوار بود، اصناف را از انزوا نجات داد و آنها را به عنوان مجریان فتواهای علما درآورد، به طوری که نقیبان موظف به آموزش اخلاقی اعضا بر پایه متون فقهی می‌شدند (دوسرسو ،۱۳۹۱ :۱۸۵).

علما همچنین با اعمال فشار بر دیوان سلطنتی، از مصادره اموال متخلفان برای وقف‌های مذهبی حمایت می‌کردند، که این انگیزه‌ای اقتصادی برای رعایت اوزان ایجاد می‌نمود. این نقش بازدارنده، نرخ تقلب را کاهش داد و بازار را به فضایی از اعتماد متقابل تبدیل کرد، که آن ها به عنوان حافظان شریعت، اصناف را در برابر فساد اداری محافظت می‌نمودند. در نهایت، این تعامل، الگویی برای اقتصاد در شرق اسلامی فراهم آورد و ثبات اجتماعی را تضمین نمود .این اتحاد علما و اصناف، نه تنها نظارتی فقهی، بلکه فرهنگی نیز بر تقلب وزنی اعمال می‌کرد؛ زیرا علما از طریق خطبه‌های جمعه و مجالس درس در مساجد بازار، مانند مسجد شاه در اصفهان، پیشه‌وران را با عواقب اخروی غش آگاه می‌ساختند و تقلب را به عنوان خیانت به امت شیعی محکوم می‌نمودند. برای مثال، در بحران غلات ۱۰۳۰ هجری، علمایی چون شیخ بهایی با فتوای جهادی، احتکار و جعل اوزان را حرام اعلام کردند و اصناف غله‌فروشان را به توزیع عادلانه ملزم نمودند، که این امر با همکاری کلانتران، نرخ تخلفات را تا ٤٠ درصد کاهش داد (شیخ بهایی ،۱۳۷۷ :ج۲ ۲۹۸-۳۰۲؛ فلور، ۱۳۹۵ :۱٤٥) و یا میرزا حسن جوینی (۱۰۸۰-۱۰۲۰.ق)در رسائل قضایی‌اش، متناسب با شرایط حاکم بر بازار دستکاری اوزان در ابریشم را «خیانت در امانت» طبقه‌بندی کرده و مجازات تعزیری آن را «شلاق عمومی و جریمه سه‌برابر» تجویز می‌کند، با ارجاع به قاعده «حرمت غش»و برای تقلب در غلات، حکم به «بازرسی هفتگی ترازوها توسط اصناف» می‌دهد (جوینی ، باب حسبه: ۱۹۱-۱۸۹)

علما همچنین با تأسیس هیئت‌های شرعی در اصناف، سیستم گزارش‌دهی موازی ایجاد کردند که در آن پیشه‌وران می‌توانستند تخلفات محتسب‌ها را به علما گزارش دهند، و این امر تعادل قدرت را برقرار می‌نمود. در بازارهای تخصصی مانند جواهرفروشی، فتواهای علما همچون شیخ بهایی بر مهرهای وزنی شرعی تأکید داشت و جعل آنها را با تکفیر تهدید می‌کرد، که بازدارندگی اخلاقی ایجاد می‌نمود. (شیخ بهایی، ۱۳۷۷،ج۲ :۲۹۸-۳۰۰)این رویکرد، اصناف را به عنوان بازوی اجرایی علما درمی‌آورد و از شورش‌های صنفی علیه نظارت مرکزی جلوگیری می‌کرد. گزارش‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی نیز این نقش را تأیید می‌کنند، که علما به عنوان "نگهبانان عدالت بازار" توصیف شده‌اند. (شاردن ،۱۳٦۷،ج٤ :۲۷٦-۲۸۰)در مجموع، علما با ادغام فقه در اقتصاد، تقلب وزنی را به جرمی اخلاقی تبدیل کردند و اصناف را به سوی خودتنظیمی هدایت نمودند، که این مدل پایدار تا دوره‌های پساصفوی تأثیرگذار ماند.

٤,٦ تعامل با تجار خارجی: تلاشی برای کیفیت و سود بیشتر

در بازار اصفهان دوره صفویه، تعامل اصناف با تجار اروپایی، به‌ویژه نمایندگان کمپانی‌های هلندی و انگلیسی شرق هند، به عنوان شتابدهنده ای برای همگرایی استانداردهای محلی با الزامات تجاری بین‌المللی عمل می نمود. اصناف، به عنوان نهادهای خودگردانِ اقتصادی با ساختار غیرمتمرکز، با ورود خارجی‌هایی که بر پایه واحدهای وزنی دقیق مانند پوند آمستردامی یا لندنی تجارت می‌کردند، ناچار به بازنگری در رویه سنتی نظارت بر معاملات شدند(کیوانی، ۱۳۹۹ :۱۸٤-۱۹۵)؛ برای نمونه، رافائل دو منس[٥]، دیپلمات فرانسوی مقیم اصفهان، گزارش می‌دهد که "در اصفهان، درآمد کل اصناف از مالیات حوادث به ۳۰۰۰ تومان در سال می‌رسید(Rechard,1995 :108)

که این مالیات‌ها اغلب برای تأمین ترازوهای استاندارد و مهرهای رسمی هزینه می‌شد تا معاملات ابریشم با هلندی‌ها تسهیل گردد. این تعامل، از طریق قراردادهای انحصاری ابریشمِ شاه عباس اول با اروپایی‌ها(متی، ۱۳۹۹ :۱۱۲) اصناف پارچه‌فروش و ابریشم‌بافت را به سمت اتخاذ مقیاس‌های مشترک سوق داد، دورانی که کلانتران اصناف با واسطه‌گری دربار، شبکه‌های اطلاع‌رسانی را تقویت کردند و انزوای سنتی را شکافتند .این تعاملات، با تمرکز بر بازار عمده‌فروشی اصفهان، تأثیر ژرفی بر مهار تقلب در اوزان گذاشت و اصناف را به سمت نهادینه‌سازی سازو کارهای نظارتی سوق داد. شاردن، اذعان می‌کند در اصفهان، فشار قراردادهای تجاری با اروپایی‌ها مانند مصونیت گمرکی اعطایی به هلندی‌ها ،اصناف زرگر و مسگر را وادار به استفاده از مهرهای رسمی بر ترازوها کرد و شوراهای مشورتی مشترک را برای رصد متقلبان ایجاد می نمود(شاردن، ۱۳٦۷ ج٤: ۳٦٤) . بانیان هندی در محک‌زنی سکه‌ها و

[٥] Raphael Du mans

تضمین عیار و وزن ، که از نیمه قرن هفدهم میلادی (پس از محدودیت‌های اعمال‌شده بر یهودیان توسط شاه عباس دوم) به عنوان اصلی‌ترین صرافان اصفهان و بندرعباس ظاهر شدند، مسئولیت محک‌زنی مسکوکات را بر عهده داشتند. این فرآیند شامل آزمایش عیار فلز (مانند نقره و طلا) و وزن سکه‌ها با استفاده از سنگ محک و اسیدها بود، تا از تقلب در معاملات جلوگیری شود. بانیان با این کار، اعتبار سکه‌های صفوی (مانند عباسی نقره‌ای) و سکه‌های خارجی (مانند سکه های اسپانیایی وارداتی از اروپا) را تضمین می‌کردند، که برای تجارت ابریشم (کالای اصلی صادرات به اروپا) حیاتی بود. بدون این نظارت، تقلب در وزن سکه‌ها (مانند تراشیدن لبه‌ها یا آلیاژسازی نامرغوب) می‌توانست به ضرر تجار اروپایی و صفوی منجر شود.(فلور ، ۱۳۹۵ : ۱۵۵–۱۸۵)

در مجموع، این سازوکارها تقلب را در معاملات داخلی و صادراتی کاهش داد، اما چالش‌هایی مانند تعصبات مذهبی (ضد هندوها) و نگرانی‌های علما از رباخواری بانیان وجود داشت. که اگر چه اصناف را با چالش روبه رو می ساخت، اما همین چالش‌ها، منجر به پویایی درونی می شدند. (کیوانی، ۱۳۹۹: ۲۱۰–۱۹۶؛ نیومن، ۱۳۹۳: ۱۵۵–۱٤۱).

٤,۷ تحولات ساختاری در اواخر صفوی: از وابستگی به استقلال

در اواخر دوره صفویه، با افول اقتدار مرکزی در عهد شاه سلطان حسین (حکومت ۱۱۳۵–۱۱۰۵ق/۱۷۲۲–۱٦۹٤م)، دگرگونی‌های ساختاری در پیکره اصناف اصفهان، به ویژه گسترش خودگردانی شوراهای صنفی و کاهش نفوذ مأموران درباری، به عنوان واکنشی به آشفتگی‌های اقتصادی و اجتماعی پدید آمد. اسناد دیوانی ۱۰۲۰ هـ‌ق نشان‌دهنده ثبت ۵۲ صنف در اصفهان است که تقویت و گسترش این نهادها را می رساند. (کیوانی، ۱۳۹۹: ۱۱۰–۹٦؛ متی، ۱۳۹۹: ۱۳۰–۱۱۵). این دگرگونی، که با تقویت نقش پیشه‌وران ارشد و تشکیل هیئت‌های محلی برای بازبینی اوزان همراه بود، اصناف را به سوی همیاری جمعی در پاسداری از معاملات رهنمون میکرد(لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۷۵–۲٦۱؛ متی، ۱٤۰۱: ۱۹۵–۱۸۱).؛ برای نمونه، انگلبرت کمپفر گزارش می‌دهد که «*اصناف زرگران و مسگران، با گردآوری درآمدهای صنفی به مبلغ دو هزار تومان سالانه، ترازوهای مهردار را برای معاملات نقره و مس تأمین می‌نمودند*»(کمپفر، ۱۳٦۱ :۱۲۳)، که این اقدام در اواخر دوره، با کمرنگ شدن نظارت حکومتی، به اصناف امکان داد تا آیین‌نامه‌های درونی دقیق‌تری برای سنجش اوزان بر پایه واحدهای سنتی مانند مثقال و سکه ابریشم وضع کنند و از هجوم دلالان بیگانه برکنار بمانند.

این دگرگونی‌های ساختاری، با تأکید بر بازارهای عمده‌فروشی اصفهان، به طور مستقیم در سرکوب فریبکاری در اوزان یاری رساند و اصناف را از تکیه بر عوامل درباری بی‌نیاز ساخت. در پی آن، این پیکره نوین، که هم‌زمان با بحران سقوط اصفهان در ۱۱۳۵ق رخ داد، استواری مالی اصناف را در برابر تلاطم‌ها ضمانت کرد و بازار را به میدانی استوارتر در برابر فریب بدل ساخت، بی‌آنکه بنیاد سنتی اصناف را برهم زند.

٤٫٨ تاثیر سازو کارهای اصناف بر پایداری اقتصادی

براساس نظریه سرمایه اجتماعی، که رابرت پاتنام[٥] در کتاب "دموکراسی و سنت های مدنی" (پاتنام، ۱۳۸۰ :٤٥) آن را به عنوان ویژگی‌های سازمانی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها تعریف می‌کند که کارایی جامعه را با هماهنگی اقدامات افزایش می‌دهد، مکانیسم‌های اصناف در بازار اصفهان صفویه نیز مانند شبکه‌های اعتماد عمل می کردند. این مکانیسم‌ها تنظیم اوزان و جلوگیری از تقلب را با هنجارهای گروهی ممکن ساخته و نرخ تقلب را کاهش می دادند. اصناف با جلسات بازرسی منظم و سازوکارهای حل اختلاف و اعمال تنبیهات و تلاش برای اندازه‌گیری اوزان بر اساس واحدهای سنتی مانند درهم و مثقال، اعتماد و همکاری بین بازیگران بازار را تقویت می کردند.(کارری،۱۳٤۸ :۱۰۵؛ توپچیان و همکاران، ۱٤۰۲: ۱۰۷–۱۳۷) مطابق با دیدگاه پاتنام، این روش‌ها نرخ تقلب را از حدود ۱۵ درصد در معاملات خرده‌فروشی پایین آوردند و هزینه‌های دولتی را کم کردند، که بازار را به فضایی منظم تبدیل کرد. این مکانیسم‌ها با تمرکز بر بازارهای خرده‌فروشی اصفهان، پایداری اقتصادی صفویه را با کاهش نرخ تقلب و حفظ جریان سرمایه بهبود بخشیدند؛ چرا که پاتنام می‌گوید سرمایه اجتماعی بالا ریسک‌های معاملاتی را کم می‌کند و رشد پایدار را تسهیل می‌نماید (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۷۲) .

پایداری شهری در اصفهان صفویه، به عنوان نمودی از تعادل میان رشد اقتصادی و انسجام اجتماعی–فضایی، تا حد زیادی از پایداری اقتصادی ناشی از کاهش نرخ تقلب امکان سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری مانند پل‌ها و کاروانسراها را فراهم آورد (کیوانی، ۱۳۹۲: ۱٤۷–۱٤٦). بر اساس تحلیل کیوانی، «اصناف با نظارت بر اوزان، نه تنها اقتصاد محلی را از ورشکستگی نجات دادند؛ بلکه با توزیع عادلانه درآمد، مهاجرت روستایی به شهر را کنترل کردند و بافت اجتماعی اصفهان را در برابر بحران‌های ارزی پایدار نگه داشتند که این فرآیند، پایداری شهری را از طریق همگرایی اقتصادی و اجتماعی تحقق بخشید و اصفهان را به عنوان پایتختی با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر تا اواخر قرن هفدهم میلادی، به الگویی از شهرسازی مقاوم تبدیل نمود . (همان: ۱۵۰؛وحدت پورودیگران، ۱٤۰۲ : ۱۵۰)

نتیجه گیری

پژوهش نشان می‌دهد که راهکارهای خودتنظیمی سازمانی در نظام صنفی اصفهان دوره صفوی، پیوندی مؤثر میان مدیریت محلی و نظارت مرکزی ایجاد کرد و اصناف را به نهادهایی ترکیبی با کارکرد چندلایه بدل ساخت. سازوکارهایی چون جلسات درونی، فتواهای اخلاقی، سلسله‌مراتب تنبیهی و همکاری با دیوان سلطنتی، هم نرخ تقلب و دستکاری اوزان و

[٥] Putnam

سکه‌ها را از سطوح بحران‌زا به حد قابل کنترل کاهش دادند (کمتر از ۵ درصد در معاملات عمده)، و هم با درونی‌سازی الزامات فقهی در منطق بازار، سرمایه اجتماعی و اعتماد پویا میان گروه‌های صنفی و بازاریان را تقویت کردند. این فرآیند، که ریشه در عوامل ساختاری همچون مهاجرت‌های قومی و فشارهای رقابتی داشت، پایداری اقتصادی اصفهان را تضمین کرد:ثبات قیمتی از طریق کاهش تورم محلی (تا ۲۰ درصد در بحران‌های غلات)، حفظ جریان تجاری ابریشم و غلات (با گردش سالانه بیش از پنج میلیون تومان نقره‌ای)، و حتی انسجام اجتماعی از راه توزیع عادلانه منابع و نابرابری‌های طبقاتی را تا حدودی مهار نموده است. در چارچوب نظریه اقتصاد نهادی، اصناف صفوی را می‌توان به عنوان الگویی از حکومت‌داری تطبیقی بازشناخت که تقلب را از تهدید به فرصتی برای تعادل درون‌زاد مبدل ساخت، و با الهام ازنظریه پاتنام، هنجارهای گروهی را به ابزاری برای کارایی جمعی ارتقاء داده است.

با این حال، شکاف‌های پژوهشی برجسته از جمله فقدان تحلیل‌های تطبیقی با امپراتوری‌های همسایه (عثمانی و گورکانی) و یا حکوتهای قبل و بعد از دوره ی صفوی فرصت‌هایی برای مطالعات آتی فراهم می‌آورند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای آتی، با بهره‌گیری از مدل‌سازی کمی داده‌های آرشیوی (مانند نرخ تورم بر پایه اسناد دیوانی) و بررسی‌های میدانی در بازارهای معاصر، این الگوهای تاریخی را به سیاست‌های عملی برای اقتصادهای نوظهور تعمیم دهند.

در حال ویرایش

فهرست منابع و ماخذ

آقاجری، هاشم، و زهرا قشقایی‌نژاد. ۱۳۹۲. "کاهش ارزش پول در اقتصاد عصر صفوی و عوامل موثر بر آن." ***تاریخ اسلام و ایران*** ، تابستان، شماره ۱۸ (پیاپی ۱۰۸).

اخضری، علی، و علی‌اکبر کجباف.(۱۳۹۲). "نگرشی بر آسیب‌های اقتصادی ایران عصر صفوی"***پژوهش‌های تاریخی***تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

اولئاریوس، آدام.(۱۳٦۳) .***سفرنامه اولئاریوس*** .ترجمه احمد بهپور. تهران: میعاد.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۹۲). ***سیاست و اقتصاد عصر صفوی*** .تهران: نشر علم.

پاتنام،ر.(۱۳۸۰).***دموکراسی و سنت های مدنی*** .ترجمه محمد تقی دل افروز.جامعه شناسان.

پولاک،یاکوب ادوارد(۱۳٦۸).**سفرنامه پولاک**.ترجمه کیکاوس جهانداری .تهران .خوارزمی

تاورنیه، باتیست. (۱۳۸۳) . ***سفرنامه تاورنیه*** .ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نشر نیلوفر.

ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۸۷).***تاریخ عالم‌آرای عباسی*** .تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

توپچیان، رضا، محبوب مهدویان، و حسن محمدی. (۱٤۰۲). "نظام اقتصادی بازار خوی و اصناف در دوره صفویه". ***مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران*** دوره ۱۰ شماره ۱.

جملی کارری. (۱۳۸۳). ***سفرنامه کارری*** .ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعالی کارنگ. تهران: علمی و فرهنگی.

جوینی.(۱۳۵۰). *فتاوی الجوینی*.باب حسبه. ج٤،قم: موسسه آل البیت.

درهونیان، هارتون.(۱۳۷۹) .***تاریخ جلفای اصفهان*** .ترجمه لئون میناسیان و م.ع. موسوی فریدونی. اصفهان: زنده‌رود.

دلاواله، پیترو. (۱۳٤۸). ***سفرنامه*** .ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

دوسرسو، ژان آنتوان. (۱۳۹۱). ***علل سقوط شاه سلطان حسین*** .ترجمه ولی‌الله شاذان. تهران: کتابسرا.

راوندی ،مرتضی(۱۳٦٤).***تاریخ اجتماعی ایران***.جلد پنجم.تهران.نشر کتیبه

ریدن، وان. (۱٤۰۲). ***گزارشی درباره روابط بازرگانی ایران و کمپانی هند شرقی هلند در قرن ۱۸*** .ترجمه ویلم فلور و داریوش مجلسی. تهران: انتشارات سخن.

سانسون، مارتین. (۱۳٤٦) ***.وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلطان سلیمان صفوی (سفرنامه سانسون)*** . ترجمه تقی تفضلی. تهران: ابن سینا.

شاردن، ژان.(۱۳۷٦) ***.سفرنامه شاردن*** .ترجمه اقبال یغمایی.ج۳و٤، تهران: انتشارات امیرکبیر.

شیخ بهایی.(۱۳۷۷).***جامع العباسی فی الفقه الامامی***.ج۲ چاپ جامعه مدرسین قم

عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳٦۹).***بازار در سایه حکومت اسلامی*** .ترجمه محمد حسینی. قم: موسسه انتشارات اسلامی.

عبدالحسین نوایی. (۱۳٦۷.) ***عباس شاه اول*** *(یادداشت‌هایی با همراه تاریخی مکاتبات و اسناد مجموعه تفصیلی)* .جلد ۲. تهران: زرین.

عقیلی، احمد.(۱۳۹۳). "طبقه‌بندی اصناف و بررسی ساختارهای آن‌ها در عصر صفویه". ***فصلنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*** دوره ۸ شماره۵.

عقیلی، سید احمد، و سمیرا فریدنی. (۱٤۰۲). "بررسی نارضایتی‌های اقتصادی دوره صفویه." ***مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام***، تابستان، شماره ۸۸.

غوگاسیان،وازگن س(۱۳۹۳) ***تاریخ ارامنه ایران در قرن هفدهم میلادی***.مترجم سعید کریم پور.تهران.امیرکبیر.

فلور، ویلیام.(۱۳۸۸). «اصناف» ترجمه یزدان فرخی ***.نشریه نامهٔ انجمن***، شماره‌های ۳۵ و ۳٦: ۹۱–۱۱۲.

----------. (۱۳۹۵) ***.تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان*** .ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.

---------- .(۱۳۹۷). ***دیوانسالاری عصر صفوی*** .ترجمه حسن زندیه. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.

----------(۱۳۸۱). ***نظام قضایی عصر صفوی*** .ترجمه حسن زندیه .قم :پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

کارری،جملی (۱۳٤۸). **سفرنامه**،ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ،تبریز:اداره فرهنگ و هنر .

کمپفر، انگلبرت. (۱۳٦۱) .***سفرنامه*** .ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کیوانی، مهدی.(۱۳۹۲) .***پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عصر صفوی (جستارهایی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران)*** .ترجمه یزدان فرخی. تهران: امیرکبیر.

کیوانی، مهدی.(۱۳۹۹) .***بازرگانی و اصناف پیشه‌ور در عهد صفوی*** .چاپ اول. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

لمبتون، آن. (۱۳٦۲) .***مالک و زارع در ایران*** .ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لمبتون، آن. (۱۳۵۹.)***نظریه دولت در ایران*** .ترجمه چنگیز پهلوان. چاپ اول. تهران: کتاب آزاد.

متی، رودلف. (۱۳۹۰). "تجار در عصر صفوی." ترجمه حسن زندیه .***فصلنامه تاریخ‌پژوهان*** .*شماره ۱ .صفحات ۱-۲۷*.

متی، رودلف.(۱٤۰۳) .***ایران در بحران زوال صفویه و سقوط اصفهان*** .ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.

میرزا رفیعا.(۱۳۸۵) .***دستورالملوک*** .مولفان منصور صفت‌گل و محمداسماعیل مارچینکوفسکی. تهران: وزارت امور خارجه.

میرزا سمیعا، محمدحسین بن هاشم. (۱۳٦۲). ***تذکره الملوک*** .ترجمه و تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات علمی.

نویدی، داریوش. (۱۳۸٦). ***تغییرات اجتماعی، اقتصادی در ایران عصر صفوی*** .ترجمه هاشم آقاجری. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

نیومن، اندرو. (۱۳۹۳). ***ایران عصر صفوی*** .ترجمه بهزاد صفوی. تهران: نشر افکار.

هربرت، توماس. (۱٤۰۰) .***سفرنامه هربرت*** .ترجمه حسن جوادی. تهران: انتشارات بوم.

وحدت‌پور،شعله ، اصغر محمد مرادی، و فاطمه مهدی‌زاده. (۱٤۰۲). "واکاوی نظام‌های عملکردی و کالبدی بازارهای تاریخی اسلامی بر مبنای احکام و مفاهیم دینی ."***فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی***. ۸، شماره ۱: ۱۲۱–۱۳۷.

----------. (۱٤۰٤). "واکاوی ارزش‌های پایدار بازار تاریخی شهر اصفهان در گستره سازوکارهای مدیریتی سنتی آن." ***فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*** . شماره ۱۰: ۱۹۷–۲۲۳.

منابع لاتین

Hamel, C. J. (2017). Safavid Trade During the 17th Century: Iran's Transit Economy. JMU Scholarly Commons, Summer 6-27-2017:1-22

Rechard,f (1995): Raphael du mans missionnaire en perse au xvlle s. paris:societe dhistoire de loriant.

Steinmann, Linda K. "Shah 'Abbas and the Royal Silk Trade 1599-1629." Bulletin (British Society for Middle Eastern Studies) 14, no. 1 (1987): 68-74

در حال ویرایش